**ادامه حدیث اول:** إستنطقه: یعنی او را به سخن درآورد.

سوال: عقل چگونه سخن می‌گوید؟

**پاسخ:** مرحوم ملاصالح می‌گوید: خداوند با طلب نطق از عقل، در حقیقت اراده فرمود تا او را گرامی داشته و از دنیای وحشت و حیرت بیرون آورد و به انس با حضرت حق نائل سازد. این رویداد شبیه آن لحظه‌ای است که خداوند، با وجود علم کامل، از موسیپرسید: «وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ» (طه/ 17)، تا هراس او را بزداید و پیوندی عمیق از انس و آرامش با او برقرار کند. کیفیت استنطاق عقل، از ابعاد مادی و زمینی فراتر است و با معیارهای دنیوی قابل بیان نیست.

**بخش دوم حدیث:** عقل، محبوب‌ترین مخلوق إلهی (...**ثُمَّ‌ قَالَ‌: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ‌ خَلْقَاً هُوَ أَحَبُّ‌ إِلَيَّ‌ مِنْكَ**...)

**معنای محبت**

محبت، حالتی درونی و قلبی است که انسان را به سوی چیزی متمایل می‌سازد و این تمایل به دلیل زیبایی‌های ظاهری یا باطنی، همچون افکار و اعمال نیک، شکل می‌گیرد. وجود حسن و زیبایی است که بذر محبت را در دل می‌نشاند و آن را پرورش می‌دهد.

**نکته:** محبت در خصوص خدا و أهل‌بیتطرفینی است.

نکته: زمانی که عقل، محبوب‌ترین مخلوق نزد پروردگار است، در نتیجه محبوب‌ترین چیز نزد عقل هم، خداوند است.

تفاوت فرهنگ دینی و عرفانی

در فرهنگ عرفانی همواره میان عقل و عشق فاصله‌ای دیده می‌شود، اما در فرهنگ دینی، عشق زاییده عقل است. سلوک عاشق به سوی خداوند با هدایت عقل ادامه می‌یابد، زیرا عقل محبوب خداوند است و در نتیجه، خود نیز محب خدا می‌باشد. از همین روست که در روایت آمده است: «**العَقلُ ما عُبِدَ بِهِ الرَّحمنُ**» (کافی/1/11)؛ خداوند به وسیله عقل پرستش می‌شود.

محب، همواره مطیع محبوب خود است و بدین جهت، عقل در مقام محبت به خداوند، مطیع و فرمان‌بردار اوست.

عقل کامل، محبوب خداوند

**(وَ لَا أَكْمَلْتُكَ‌ إِلَّا فِي مَنْ‌ أُحِبُّ‌،...)**

اصل عقل از جانب خداوند است، در نتیجه کمالات عقل هم از جانب اوست و این کمالات به کسی داده می‌شود که محبوب خداوند باشد.

**سوال:** **چه کسی محبوب خداوند است؟**

**سوال: چه چیزی سبب کمال عقل می‌شود؟**

**پاسخ:** آنچه از مجموع آیات به دست می‌آید این است که محبت و عدم آن یا به صفت و فعل برمی‌گردد و یا به شخص و فرد.

1. **صفات و افعال:**
   * معتدین و ظالمین: **«** **إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدين‏» (بقره/190).**
   * مفسدین: **«** **إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُفْسِدين» (قصص/77).**
   * مسرفین: **«** **إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفين‏» (أعراف/31).**

**مقصود از إسراف در فرهنگ قرآن:** إسراف در دین، فکر، قلب و عمر است؛ **«قُل يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسرَفُواْ عَلَیٰٓ أَنفُسِهِم»** (زمر/53).

حضرت رسول اکرمبه أبوذر می‌فرمایند: نسبت به دین بیشتر بخل بورز تا نسبت به مال.

* + خائنین: **« إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْخائِنين‏»** (أنفال/58).
  + متکبر و فخر فروش: **«** **وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتالٍ فَخُور»** (حدید/23).

1. **اشخاص:**

خداوند دوست ندارد دشمن او را به عنوان دوست انتخاب کنید؛

اگرکسی دشمن خدا و رسول و اوصیاء الهی را دوست بدارد محبوب خداوند نمی باشد.

**«لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ... أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ ۚ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ...»** نمی‌یابی گروهی را که به خدا و روز آخرت ایمان داشته باشند و [در عین حال] کسانی را که با خدا و رسولش دشمنی کرده‌اند، دوست بدارند **...** آنان حزب خدا هستند. آگاه باشید که حزب خدا همان رستگاران‌اند... (مجادله/22)

* + **محسنین؛ «...وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ**» و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد.(بقره/195)
  + **مُتَّقين؛ «...‏فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقين‏»** خدا پرهیزکاران را دوست دارد.( آل‏عمران/76)
  + **مُتَوَكِّلين؛ «...‏‏إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلين‏‏»** خدا اهل توکل را دوست دارد.( آل‏عمران/159)

**صفت إحسان، سایر صفات دیگر را شامل می شود.**

**قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوني‏ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ ...(** آل‏عمران/31**)**

محبت به أهل‌بیت: **(قال رسول الله: حُسَينٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَينٍ، أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا)** به نقل از کتب فریقین. دوست داشتن اهل‌بیت به معنای آن است که محبت به آن‌ها را با هیچ چیز دیگری معاوضه نکنیم؛ چرا که اساس محبت واقعی این است که هیچ غیر را در کنار خود نمی‌پذیرد. این عشق خالص و بی‌نقص، همواره با برائت از دشمنان اهل‌بیت همراه است. از همین رو، می‌توان گفت که سوره حمد، نمادی از ولایت و برائت است؛ چرا که در این سوره از خداوند هدایت به راه مستقیم طلب می‌شود، راهی که به ولایت اهل‌بیت منتهی می‌شود و با دوری از دشمنان آن‌ها تکمیل می‌گردد.

* **اهل برائت و ولایت**

اگر به أهل‌بیتمحبت داشته باشید، خداوند به شما کمال عقلی را عطا می­کند که سبب نجات و رستگاری و درک معارف الهی می‌شود اما با این شرط که صرف ادعا نباشد.

تا زمانی که از زشتی‌ها برائت نداشته باشیم، محبت به زیبائی‌ها در دل ما جای نمی‌گیرد.

در نتیجه عقل صادقین را می شناسد؛ **(قال الإمام علي بن موسی الرضا: "** **الْعَقْلُ‏ يُعْرَفُ‏ بِهِ الصَّادِقُ عَلَى اللَّهِ فَيُصَدِّقُهُ‏ وَ الْكَاذِبُ عَلَى اللَّهِ فَيُكَذِّبُه‏".)**

امام رضافرمودند: " عقل، ابزاری است که به وسیله آن، راست‌گو در مورد خداوند شناخته می‌شود و تصدیق می‌گردد، و دروغ‌گو در مورد خداوند شناخته می‌شود و تکذیب می‌شود".

(...**أَمَا إِنِّي إِيَّاكَ‌ آمُرُ وَ إِيَّاكَ‌ أَنْهیٰ‌، وَ إِيَّاكَ‌ أُثِيبُ‌ وَ إِيَّاكَ‌ أُعَاقِبُ‌)**

منظور از عقل در این حدیث، همان عقل انسانی است که توانایی تشخیص حسن و قبح اوامر و نواهی الهی را دارد. بر این اساس، عقل می‌تواند به درک صحیح از اعمال و رفتار برسد و با شناخت درست از حقایق الهی، مسئولیت عقاب و ثواب بر او مترتب می‌شود. این جایگاه عقل به عنوان معیار تشخیص حق از باطل، نشان‌دهنده اهمیت آن در هدایت انسان به سوی حقیقت و شناخت صدق از کذب است.